

## یادداشت تاریخی

### تاریخ ایران را پاس بداریم



**رودسری** – یکی از عادت‌های مذموم تاریخی خواندن، تمرکز بر یک مقطع تاریخی و دیدن آن به مثابه یک پلک مجموعه است؛ به دیگر سخن، آلوده کردن مطالعات تاریخی به مغالطه «گنه و وجه». البته طبیعی است که یک ملت بخواهد تنها صفحات درخشان تاریخ خود را ببیند؛ این امر هم برای تقویت حس وطن‌دوستی مفید است و هم غرور و وحدت ملی را تقویت می‌کند ولی ما ایرانی‌ها، عادت کرده‌ایم حتی در بررسی صفحات درخشان تاریخ خودمان هم تبعیض‌آمیز عمل کنیم. فی‌المثل برخی تلاش می‌کنند وقتی قرار است از تاریخ ایران صحبت کنند، تنها پای هخامنشیان را وسط بکشند و به واسطه شهرت کوروش، در دست و نادرست را به هم ببافند و چیزی خلق کنند مانند نمونه‌های متعددی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی به وفور می‌بینید. اما تاریخ ایران از جوه دیگری غیر از دوره هخامنشی هم دارد که مستند است و شایسته افتخار؛ صرف‌نظر از تاریخ ایران دوره اسلامی که باید آن را طلایی‌ترین دوران تمدن ایرانی دانست، ما در این مرز و بوم، پیش از ورود آریایی‌ها هم، تمدن‌های شایسته توجه و افتخار کم نداشته‌ایم. از ایلامی‌ها بگیر تا تمدن جیرفت و شهر سوخته که هر کدام قدمتی هفت تا ۱۰ هزار ساله دارد و میراث آن، پهلوی به پهلوی تمدن‌های بزرگ باستانی در هند، چین و مصر می‌زند. جای بسی تأسف است که فرزندان این مرز و بوم، از میراث تاریخی سرزمین‌شان، تنها تخت جمشید و در اوج توجه، پاسارگاد را می‌شناسند و سراغی از شهر سوخته، زنگورات چغازنبیل و کوه خواجه نمی‌گیرند. اگر قرار است تاریخ ابراز و وسیله‌ای باشد برای تقویت وحدت و غرور ملی، باید آن را به صورت یک مجموعه دید؛ نه این‌که بنشینیم و با سلیقه شخصی، مقطعی را انتخاب کنیم؛ آن وقت ببیندوه غیر مستند پرو بالشد دهیم تاوستنی به عمق تاریخ چند هزار ساله ایران پیدا کند. بیایید تاریخ ایران را پاس بداریم.

## مورخان ایرانی

## مهدی‌خان استرآبادی مورخ نامدار عصر نادری



میرزا مهدی‌خان استرآبادی، چنان‌که‌از نام وی پیداست، در استرآباد، حدود گرگان امروزی، دیده به جهان گشود. سال ولادت وی معلوم نیست. آورده‌اند که وی در دوران شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه دودمان صفویه، سمت باغبانباشی‌گری داشت و چون افغان‌ها بر اصفهان مسلط شدند، میرزا مهدی به اجبار شغری سرود که اشغالگران پسندیدند و بر سکه خود نقش زدند؛ اما ظاهراً رأی میرزا مهدی با افغان‌هایکی نبود، چرا که مدتی بعد، پس از ظهور نادر، به خدمت وی درآمد و نادر که گوهر شناس بود، رفتار و سکنات وی را پسندید و میرزا مهدی را به‌عنوان منشی خود منصوب کرد. او پس از صعود نادر شاه به قدرت، به عنوان «منشی دیوان اعلی» انتخاب شد و بسیاری از فرمان‌ها و دستورهای نادر، به قلم میرزا مهدی نگارش یافت. وی افزون بر تبجر فراوان در امر منشی‌گری، مورخ‌خ توانمند نیز بود. دواثر «جهانگشای نادری» و «درّه نادری» از آثار بر جسته تاریخ‌نگاری عهد افشاریه، به قلم توانمند میرزا مهدی استرآبادی نگارش یافته است. با این حال، سبک نگارش پر تصنّف و سنگین وی، برای بسیاری از خوانندگان، به ویژه خوانندگان عصر حاضر، جذاب نیست. میرزا مهدی‌خان پس از کشته شدن نادر در سال ۱۱۶۰ ه‍.ق، گوشه عزلت‌گزید و از مناصب حکومتی دوری جست و زندگی خود را وقف نگارش و جمع‌آوری کتاب‌های تاریخی و ادبی کرد. او مجموعه‌ای از خطاطی‌های هنرمندان بنام عصر صفوی، مانند میرعماد را در اختیار داشت و امروزه، امضای میرزا مهدی‌خان، پشت بیشتر برگ‌های خطاطی میرعماد دیده می‌شود. میرزا مهدی‌خان استرآبادی، سرانجام در سال ۱۱۸۰ ه‍.ق دار فانی را وداع گفت.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ ۱۲ شعبان ۱۴۴۱، شماره ۲۰۳۴۷

# پروتکل های بهداشتی «امیر کبیر» برای پیشگیری از بیماری های واگیر

## دستور العمل واکسیناسیون اجباری و تدوین قانون «قرنطینه مرزی» از جمله اقدامات میرزا اتقی خان برای بالا بردن سطح بهداشت در ایران بود

**جواد نوائیان رودسری** – دوران صدارت میرزا اتقی‌خان امیر کبیر، بسیار کوتاه بود؛ او کمتر از چهار سال پُست صدر اعظمی را بر عهده داشت، اما در همین دوران کوتاه، چنان تغییرات بنیادینی ایجاد کرد که اگر با شهادت وی، روند آن متوقف نمی‌شد، می‌توانست جریان تاریخ ایران را به کلی تغییر دهد و شرایط دوره‌های بعد را به غیر آن مبدل کند. بدیهی است که نظم میرزا اتقی‌خانی، شامل همه امور می‌شد و او به دنبال توسعه کاریکاتوری ایران نبود. بهداشت و در مان، به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که حاکمیت باید بر آن نظارت کند و ورود مؤثر داشته باشد، مورد توجه و اهتمام میرزا اتقی‌خان قرار داشت و پروتکل‌های او برای توسعه بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماری‌های واگیر، یکی از درخشان‌ترین و افتخارآمیزترین برگ‌های تاریخ پزشکی ایران را رقم زد. در ادامه، به برخی پروتکل‌های بهداشتی امیر کبیر اشاره خواهیم کرد.

**یکم: آغاز نهضت واکسیناسیون:**

واکسیناسیون یا به اصطلاح مایه کوبی، در دوره فتحعلی‌شاه و به اهتمام عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و برادر وی، محمدعلی‌میرزا دولت‌شاه برای مقابله با بیماری وحشتناک آبله، وارد ایران شد؛ اما این اقدام، جنبه عمومی پیدا نکرد. امیر کبیر بلافاصله پس

# زبان رسمی در ایران باستان چه بود؟

شده؛ خطی که همانندی‌های بسیاری با خط اوستایی داشت. همین‌رویه در دور ساسانی‌هم پیگیری شد؛ در این دوره زبان فارسی میانه، زبان رسمی ایران بود و مکاتبات رسمی و غیر رسمی با این زبان صورت می‌گرفت؛ اگرچه زبان و خط سریانی هم، گاه به کار گرفته می‌شد. در واقع زبان فارسی میانه، نقش مهمی در تحکیم وحدت میان مردم سرزمین بزرگ و پهناور ایران داشت. با همین زبان بود که بسیاری از آثار مشهور این دوره تدوین شد؛ آثاری مانند خداینامه‌ها و تگ‌نگاری‌هایی مانند «کارنامه‌ار دشیر بابکان» که عموماً رویکردی تاریخی دارند. نمونه‌های

نثر حقوقی به زبان فارسی میانه نیز، در قالب آثاری مانند «مادِیگان‌هزار دادستان» تدوین شد؛ اما در دوره‌های بعد، از این دست نوشته‌ها، تعداد زیادی باقی نماند. ایرانیان، پس از ورود اسلام و پذیرش این دین الهی، کوشیدند تا محتوای فرهنگی خود را ابتدا در قالب ترجمه به زبان عربی حفظ کنند؛ ترجمه‌های عدا... بن مقفع در همین زمینه صورت گرفت. از قرن دوم هجری به بعد، رونق به زبان فارسی با حمایت امیرانی مانند یعقوب لیث بازگشت و این ظرفیت فرهنگی‌ستِ برگ‌زبانان، که پس از جدی شدن مسئله نفت، به همراه نمایندگان اقلیت مجلس و جمعی از نخبگان سیاسی و بازاریان، به دیدار دکتر مصدق رفت و از او برای حضور در مبارزه، دعوت کرد. مکی در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، به عنوان عضو هیئت خلع‌ید از انگلیسی‌ها، عازم مناطق نفت خیز جنوب شد و توانست در کنار افرادی مانند مهدی بازرگان و... این وظیفه خطیر را به انجام برساند. حسین مکی از سیاستمدارانی بود که شکاف و دودستگی در نهضت را بر نمی‌تابید و تلاش فراوانی برای آشتی دادن میان

# ملیجک امروز همه جا ماشاء... است!

«پنج‌شنبه / ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ : صبح که بر خاستیم هوا صاف و آفتاب خوبی بود. رخت پوشیده، رقتیم پشت‌بام بازن‌ها قدری گردش کردیم. و لبعهد از منزل خودش سوار شده بود، می‌آمد که برود شهر. گلوش درد می‌کرد، می‌خواست برود. از جلوی عمارت گذشت. او را تماشا کردیم. بعد آمدیم پایین و رقتیم که سوار بشویم، دم در اشخاص غریب و عجیب دیدیم ایستادند. حاجی محمدحسن از شهر آمده بود، دیده شد. امین الدوله معاون شجاع‌السلطنه هم چند روز است آمده است. سوار شدیم، راندیم برای عمارت کهنه. بالای کوه شکار گاه امیر، آفتابگردان زدند، افتادیم به‌ناهار. قدری پیش از ناهار دوربین به اطراف انداختیم. چند عدد قوچ بزرگ در سخت‌ان کالیانی خوابیده بودند.



اینجوانان قلم‌مازم

است، ناخوشی و با همه عربستان را فرا گرفته و از اول خانقین الی نجف اشرف طغیان تمام دار و اهالی بغداد کاملاً متفرق شده‌اند. البته آن مخدوم از تفصیل آن بهتر استحضار دارد. چون آن جامعبر عام است و هر روزه زوار عتبات و سایرین به همه ممالک محروسه تردد دارند، بسیار لازم است که برای حفاظت ممالک محروسه، بنای گراختین (قرنطینه) که منفعت آن به کزات به تجربه رسیده است، گذاشته شود. «امیر کبیر در این دستور حکومتی، شرح کاملی از مراحل قرنطینه را اعلام و انجام آن را اجباری می‌کند.



## حسین مکی در مجلس آشتی‌کنان

حسین مکی را باید یکی از فعالان مؤثر در نهضت ملی شدن صنعت نفت بدانیم. او افزون بر نمایندگی مجلس، نویسنده و مورخ‌خ توانمند هم بود. مکی در اوج دوران نهضت ملی، در آن نقشی عمده را ایفا کرد. وی در زمره افرادی قرار داشت که پس از جدی شدن مسئله نفت، به همراه نمایندگان اقلیت مجلس و جمعی از نخبگان سیاسی و بازاریان، به دیدار دکتر مصدق رفت و از او برای حضور در مبارزه، دعوت کرد. مکی در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، به عنوان عضو هیئت خلع‌ید از انگلیسی‌ها، عازم مناطق نفت خیز جنوب شد و توانست در کنار افرادی مانند مهدی بازرگان و... این وظیفه خطیر را به انجام برساند. حسین مکی از سیاستمدارانی بود که شکاف و دودستگی در نهضت را بر نمی‌تابید و تلاش فراوانی برای آشتی دادن میان

## پیروزی بزرگ ایرانیان در جنگ با سرbazان تزار

قادر بوده‌ر لشکری را به عقب‌براند و شکست را به طرف مقابل تحمیل کند؛ اما سرbazان ایران، بیدی نبودند که با چنین بادی بر خود برلزن‌د. وقتی پای غیرت و وطن‌دوستی در میان باشد، برای ایرانیان شکست دادن هر دشمنی، دور از انتظار نیست. طولی نکشید که غریو مردانه سرbazانی که به یاری همزمانشان آمده بودند، دل‌شان را شکافت. در زیر نور مشعل‌ها، برق شمشیرهای سواران چابک ایرانی می‌درخشید و زمین «اچمیازین» را با خون دشمنان متجاوز، رنگین می‌کرد. «سیسیانوف» مقهور رشادت ایرانیان شده بود. او چاره‌ای جز صدور فرمان عقب‌نشینی نداشت. دشمن از «اچمیازین» عقب‌نشست و شکست سنگین را پذیرفت. صبح روز بعد، ایرانیان در حالی که شهادی دفاع از میهن را به خاک می‌سپردند، آماده حمله‌ای دیگر بودند تا دشمن را به آن سوی بادکوبه برانند؛ اما فسوس که بی‌حیثیتی فتحعلی‌شاه و حسادت و خیانت اطرافیان او، کار را بر سپاه دلاور ایران سخت کرد و ثمره پیروزی قاطع ایرانیان در «اچمیازین» از یاد رفت.

# تاریخ

# ۷

## تاریخ استعمار

## خیز فرهنگی آمریکایی‌ها برای نفوذ در ایران عصر قاجار



آمریکایی‌ها خیلی دیرتر از دیگر قبیای غربی خود وار در عرصه استعمارگری شدند؛ از این‌رو، نتوانستند سهم چندانی در عرصه استعمار قدیم داشته باشند؛ یانکی‌ها فقط توانستند بر قسمت‌هایی از جزایر اقیانوسیه مستولی شوند و حضور آن‌ها در فیلیپین، بر جسته‌ترین شکل استعمارگری آن‌ها در الگوی استعمار کهن بود. از سوی دیگر، تقابل سنتی میان آمریکا و انگلیس در قرن ۱۸ و ۱۹، باعث می‌شد که زیرآب آمریکایی‌ها در تمام کشور‌های تحت نفوذ انگلیس بخورد و در برخی مناطق، اصولا مجالی برای عرض اندام پیدا نکنند. به همین دلیل، آمریکایی‌ها در نخستین گام، تصمیم گرفتند جایای خود را در کشور‌های آسیایی، با فعالیت‌های مسیونری و همان تیشیری مسیحیت آغاز کنند. آن‌ها که عموماً پروتستان و از پیروان متعصب طریقت‌هایی مانند پیوریتن‌ها بودند، به تدریج و با بهانه‌های مختلف، سر از آسیا در آوردند و یکی از کشورهایی که به‌عنوان هدف برای آن‌ها تعیین شد، ایران بود. پروتستان‌های اروپایی از دور، محمدشاه قاجار، توانسته بودند مجوز تأسیس مدرسه را در ایران به دست آورند. در ارومیه، سلماس و برخی دیگر از نقاط آذربایجان، مدارس مسیونری تأسیس شده بود؛ مدارسی که مدتی بعد به محلی برای فعالیت مبلغان آمریکایی هم تبدیل شد. آن‌ها به ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، نتوانستند فعالیتی گسترده در عرصه آموزش و پرورش داشته باشند. نداشتن پیشینه استعمارگری، نقش مهمی در موفقیت فعالیت‌ها در آن‌ها داشت و می‌توانستند از ناآگاهی مردم به نفع خودشان بهره‌برداری کنند. تأسیس کالج البرز در تهران و واگذار شدن مدیریت آن به ماسوئل جردن، در واقع اوج موفقیت آمریکا در این زمینه بود. جردن از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۴۰، مدیریت این مدرسه نوین را بر عهده داشت؛ کالژی که تعداد زیادی از سیاستمداران متمایل به غرب را تربیت کرد؛ هر چند تعدادی از دانش‌آموختگان البرز، بعدها به‌عنوان منتقدان جدی سیاست‌های غرب‌گرایانه مطرح شدند، اما عموماً تحصیل کردگان در این کالج آمریکایی، بعدها در زمره متفکران و مدافعان این فرهنگ در ایران قرار گرفتند. نمونه‌ای دیگر از این برنامه، در لبنان و دیگر نقاط آسیا هم اجرا شد که تأثیر و پیامدی مشابه داشت.

## چند خط تاریخ

### شیرزنان ناشناخته ایران زمین

زن‌ده‌یاد «عبد‌العظیم رضایی» در جلد چهارم کتاب «تاریخ ده هزار ساله ایران»، بخش مهمی از نوشته‌های خود را به مبارزات مردم غیور تبریز، علیه‌استبداد محمدعلی‌شاه و همچنین شخصیت و مبارزات ستارخان، سردار ملی، اختصاص داده است. پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط مستبدین، تبریز یکی از نخستین نقاطی بود که برای نجات مشروطه و مبارزه با استبداد، علم قیام را برافراشت. در این میان، مبارزان تبریزی، به رهبری ستارخان و سالارخان، با استقرار در محله‌امیرخیز تبریز، نتوانستند نظامیان محمدعلی‌شاه را عقب برانند. اقدام آن‌ها در، شرایطی که سراسر کشور در سکوتی تلخ فرو رفته بود، کورسوی نجات را در دل ایران تاب‌ر روشن کرد و باعث امیدواری آن‌ها به نجات سرزمین‌شان از چنگال استبداد شد. ستارخان و یارانش در حالی به مبارزه خود با نیروهای استبداد ادامه می‌دادند که از هر س‌ودر محاصره بودند و راه رسیدن ارزاق به آن‌ها بسته شده بود. زن‌ده‌یاد «عبد‌العظیم رضایی» می‌نویسد: «بک روز مجاهدی را به انجمن حقیقت آوردند تا او را معالجه کنند. مجاهد سر به زیر داشت و نمی‌گذاشت زخمش را ببندند. ستارخان به او نزدیک شد و گفت: چرا از معالجه خود جلوگیری می‌کنی؟ مجاهد تبریزی، دیده به دیده ستارخان دوخت؛ اشک در چشمانش حلقه زد و گفت: من دخترم و این‌ها نامحرم. ستارخان شگفت زده شد و پرسید: دخترم مگر من مرده بودم که تو به میدان آمدی؟ دختر گفت: صدها مثل من، دختر در لباس مردانه می‌جنگند.»



#### همکار ارجمند

#### جناب آقای دکتر ناصر مطهری فریمانی

ارتقای جنابعالی را به مقام **دانشیاری** تبریک عرض نموده، موفقیت روزافزون شما را از گاه از دهن‌مان مسئلت داریم.

**اعضای هیئت علمی گروه مدیریت**  
**دانشگاه فردوسی مشهد**

۱۳۹۹.....۱۳۹۸